

عزم راسخ من آنست که دیگر نگذارم
بهره‌های سنگین اقتصاد کشور را فلج
کند و اوضاع طوری باشد که بعضی از
سرمایه داران، فعلی حاصل زحمت کسانی
را که بکار تولید مشغولند با گرفتن
بهره‌های سنگین تصاحب نکنند.

من همیشه از این خرسندم که مسائل
عمده اقتصادی کشور و سایر معضلات
امور را حل و فصل کنم و وجود من از
نظ مقام شاهنشاهی از وجود یک نفری که
بتوسعه امور اقتصادی و اصلاحات
اقتصادی و فرهنگ علاقمند است جدا
نمی‌تواند بود.

« مأموریت برای وطنم »

ربح
فقد
سود
بهره
نزول
فرع
اجاره

پول شاخص و نماینده ارزشهاست و همانطور که میتوان سایر مایحتاج را کرایه
کرد در صورت نیازمندی باین شاخص باید بتوان آنرا هم کرایه کرد تفاوتی که پول
با سایر چیزها دارد این است که پول را می‌توان اجاره کرد ولی نمی‌توان خرید. مگر
اینکه بصورت طلا و نقره بازرگانی یعنی مال التجاره درآید اجاره کردن پول هم
از لحاظ قانونی صحیح نیست زیرا با بقی عین نمی‌توان از آن استفاده کرد ولی در بیع
شرطی که ظاهراً نزول عنوان اجاره ملک را دارد در حقیقت اجاره پول است یا
باصطلاح بازاری و تجارت سود معامله است.

قرض دادن پول بدون گرفتن نفع از لحاظ اخلاقی و توصیه ادیان کار خوبی است
ولی قانونی نیست و در هر حال برای رواج تجارت باید پول نفع داشته باشد مشروط

باینکه از حدود معینی تجاوز نکنند چون اگر زیاد باشد تاجر برای تجارت قرض نخواهد کرد و مشکل است که هم بتواند فرع زیاد بدهد و هم خود استفاده کند از طرفی هم اگر هیچ نفع نداشته باشد باز موجب رکود تجارت میشود زیرا کسی قرض نخواهد داد و دست تجاری که احتیاج پیدا می کنند بسته میماند و وقتی هم پول ربح رسمی و تجارتي و قانونی مدونی نداشته باشد اصول ربا خواری طوری رایج میشود که در تمام ادوار معایب آن دیده شده است .

اولین قانون وام و ربح قانون همورایی است که بین هزار و شصت تا دوهزار سال قبل از میلاد مسیح بمرحله اجرا درآمد و مجموعه آن بروی سنگی با ارتفاع دو متر و بیست و پنج سانتیمتر حاک شده در موزه لورپاریس موجود است .

بعد از آن احکام حضرت موسی است. حضرت موسی در کتاب تثنیه که یکی از اسفار خمسه توراة است برای خودی و بیگانه احکام متفاوتی دارد بطور کلی بنی اسرائیل را از ربا خواری بر حذر داشته و در مورد وام و وثیقه پیوسته در صدد حفظ وام گیرنده از مشکل و نامالایم بوده است .

مرحله بعدی در یونان با ظهور رسولون قانونگذار نامی آن آغاز گردید.

در قرن ششم قبل از میلاد مردم آن از دست رباخواران بیچاره شده بودند رسولون قانونی بنام **Seisach tei** سزا کتهئی (یعنی تخفیف بار) وضع کرد که بموجب آن ربی که بدهکاران تا آن زمان پرداخته بودند بعنوان قسمتی از اصل وام شناخته شد از ارزش پول نقره هم مقداری کاسته شد بطوریکه هفتاد و سه در اخم قدیمی مساوی با صد در اخم جدید گردید و پرداخت بدهی با پول قبلی گشایشی در وضع بدهکاران بوجود آورد نسبت به وثائق و املاک نیز مقرراتی داشت که عظمت و اهمیت تجارت آن را پی ریزی کرد و طبقه مولد و متوسط و خرده مالکین را قوت و رونق داد.

بطوریکه تیت لیومورخ رومی می نویسد در سال ۳۲۶ قبل از میلاد قساوت و شقاوت پاییریوس نام رباخوار باعث شد که حقوق رومیان تغییر کند .

پاییریوس به پولیوس فرزند زیبای یکی از بدهکاران چشم طمع دوخته بود

و چون او را در حفظ شرافت خویش پایدار دید فرمان داد که برهنه شلاقش زدند بوبلیوس معجروح و خون آلوده فرار کرد و مردم را از بداندیشی پاپیریوس آگاه ساخت . جمعیتی متأثر شده در میدانی جمع شدند و بطرف سنارفتند و در نتیجه قانونی وضع شد که فقط اموال بدهکار و وثیقه دین باشد و بس .

بموجب قانون سال ۳۶۷ بـه بدهکاران حق داده شد که ربح پرداختی تا آن تاریخ را از اصل بدهی کم کنند و بقیه را در ظرف سه سال مستهلك نمایند .

تاریخ نشان میدهد که همیشه افزایش ثروت عمومی نرخ رسمی ربح را در سیر نزولی قرار میدهد و برعکس در فقر عمومی نزول سیر صعودی پیش میگیرد کما اینکه در زمان حکومت اگوست بعلت فتح مصر و کسب غنائم بسیار و توزیع طلا بین سربازان ارتش پول زیادی بجزیران افتاد و باعث شد که میزان ربح از دوازده درصد به چهار درصد تقلیل داده شود .

مذهب مسیح که عامل اجتماعی بزرگ و نیرومندی در ایجاد وحدت فکری اروپای غربی بود با در نظر گرفتن احکام تورات و انجیل ربح گرفتن را فروش زمان شناخت با این استدلال که زمان (فاصله بین اخذ و رد و جه) فقط از آن خدا است یعنی مال و در اختیار طرفین معامله نیست و لذا مطالبه و اخذ ربح را تجاوز بامور الهی دانست . در ابتدا روحانیون از ربح گرفتن ممنوع شدند و بعد از مدتی مقامات مذهبی با وضع مقررات سختی مانند محرومیت رباخواران از شرکت در عشاء ربانی و مراسم دفن و نهبی مردم از معاونت و معاضدت آنان و باطل شناختن وصیتنامه ایشان و تکفیر زمامدارانی که ربا خواری را تجویز میکردند تحریم کردند .

ولی چون تحریم ربح در مورد وامهای معاضدتی و در حدود احتیاجات ضروری با قرضه و اعتباری که تاجر برای گسترش فعالیت انتفاعی میگیرد و اگر واقعیات زمان نادیده گرفته شود و حتی قرضه‌ای که برای ازدواج یا سربازگیری و خرید اسلحه باشد بدون سود باشد ر کود زیان بخشی دست میدهد خواه و ناخواه دریافت بهره مجاز

شد و یهودیان که قسمت مهم تجارت پولی اروپا را در دست داشتند هر طور که خواستند و توانستند مردم را استثمار کردند و میزان بهره به هشتاد و پنج درصد رسید و سرعت و سماجت یهودیان در تصاحب گروگان موجب نفرت عمومی گردید زمامداران هم که برای جنگ یا تجمل قرض کرده بودند نه تنها حمایت نکرده بلکه هر آتش افروخته میشد دامن میزدند و پیوسته غصب اموال و تبعید افراد در سالهای ۱۱۸۲-۱۲۶۱-۱۲۹۰ و ۱۲۷۰ تکرار شد جنگهای صلیبی نیز مزید بر علت گردید با این نفرت عمومی از یک طرف و شرکت یهودیان در قتل حضرت مسیح از طرف دیگر جمعیت یهودی قاتلین مسیح و پیروانش شناخته شد و در طول قرون و اعصار بعدی با استفاده از هر زمینه مستعدی بلوائی که گاهی منجر به قتل عامه ایشان بود بر پا میگردد.

پاپ سنت **توماس داکن** برای اینکه تحریم مذهبی را با احتیاجات اقتصادی تطبیق دهد گفت وقتی می توان ربح را تحریم کرد که طلبکار خود بتواند از پولی که قرض میدهد استفاده کند. در جامعه عرب قبل از اسلام هم با خواری رایج بود و قانون مدونی برای ربح رسمی و تعیین فرق بین ربح و ربا وجود نداشت و چون نتیجه هر دو یکی بود مذهب اسلام برای احتراز از مفاسد اجتماعی ربا خواری و برای اینکه يك طبقه از مردم بیکار یا کم کار بار دوش طبقات زحمت کش نشوند تحریم کرد.

اسلام میخواهد سرمایه داران به کار و تجارت بپردازند و از بیکاری و استفاده از ربح پول که منشاء مفاسد اجتماعی و موجود غرور و نخوت و محرک عیاشی و هرزگی است دور باشند.

حرمت ربا بضرورت و بدهاقت در شرع اسلام معلوم و اخبار بسیاری در مذمت آن وارد شده که در بعضی از آنها امر بقتل مرتکب گردیده و در بعضی دیگر هم سنگ زنا دانسته اند.

ما متأسفانه برای تفهیم و تفاهم مطالب و اغلب اصطلاحات اقتصادی و بانکی لغاتی که مؤدای مقصود باشد نداریم و مؤسسات و مراکز اقتصادی کشور برای لغاتی هم ارزش اصطلاحات جدید را در اقتصاد و بانک تعیین نکرده اند و در نتیجه هر کسی بسلیقه خود

لغتی را استعمال میکنند که اغلب اصطلاحات اقتصادی را از معانی حقیقی و مفاهیم بین‌المللی دور کرده‌ایم مثلاً ربح و سود و بهره و نزول نفع و فرع و اجاره همه را بدون توجه بحدود معانی و دلالت الفاظ و محل استعمال در همه جا و برای انواع مقاصد بکار می‌بریم و بطور کلی اکثر تجار و کارمندان بانکها حتی علمای اقتصادی ما بعلمت فقد لغات و اصطلاحات اقتصادی بلغات و اصطلاحات بیگانه متوسل یا کلماتی نارسا استعمال می‌کنند در صورتیکه در اقتصاد اروپائی و امریکائی برای اقسام مختلف بهره لغات مخصوص وجود دارد و برای انواع مقاصد اصطلاحات، کلمات و عباراتی هست که بمجرد تلفظ طرف میتواند مقصود معینی را درک کند و اینکه بانکها ربح را که متضمن بیان یک کیفیت خاص اقتصادی است بهره می‌گویند صحیح نیست زیرا بهره معنای عام دارد و قابل انطباق با انواع درآمدها است.

باری این ربح برای سرمایه‌داران و رباخواران مانند توپ نخب یا گلوله برف است هر قدر می‌چرخد بر حجم خود می‌افزاید و برای بدکاران و محتاجان مانند اسید سرمایه را میبرد و می‌خورد. نص ملی را ربح معاملات حقوقی نشان میدهد. کمی و زیادی سرمایه ملی را از بالا و پائین رفتن ربح میتوان تشخیص داد پس ربح کم در آن واحد هم نتیجه و هم علامت فراوانی سرمایه است و برعکس...

کامیل فلاماریون منجم فرانسوی حساب کرده است که اگر در میلاد مسیح پدر دوراندیشی برای تأمین آتیه اعقاب خود دوشاهی به مراتب میگذاشت در سال چهارده به چهارشاهی در سال ۲۸ دو عباسی ۴۲ چهار عباسی در سال ۵۶ سی و دو شاهی بالغ میشد یعنی هر چهارده سال دو برابر میشد و به همین منوال بطرز عجیبی بالا رفته در سال ۱۸۷۳ به ۴۸۷/۳۳/۰۰۰ نونیون (Nonillion) ریال میرسید و بتدریج در سالهای ۱۸۸۷ - ۱۹۰۱ - ۱۹۱۵ دائماً مضاعف شده از مبلغ دو دسیلیون (Decillion) ریال تجاوز میکرد. با این محاسبه معلوم میشود که ربح چگونه یک اکثریتی را می‌مکد و اقلیتی را متورم میکند و افزایش آن در ایجاد فقر عمومی و از بین بردن عناصر ثبات ملی تا چه حد تأثیر دارد.

در ایران نرخ ربح درجا زده یا پیوسته در تصاعد بوده است و قوانین و مقررات موضوعه سنگینی و فشار را طوری روی دوش مردم مقروض گذاشته و میگذارد که در معاملات نزولی هم اکنون مالیات با سم دائن و بآدرس مدیون است.

چرا نرخ متوسط ربح در ایران صدی بیست و چهار در فرانسه صدی هشت در آلمان صدی هفت و در بعضی کشورهای دیگر صدی شش است و چرا بانکهای ما دنبال مشتریانی میگردند که نزول زیاد تر بدهند؟! نگاهی بقوانین مالی تا حدی جواب این سؤال را میدهد.

وقتی بدستور قانون هنگام تنظیم اسناد رهنی و بیع شرطی مالیات معاملات نزولی دریافت میشود با توجه باینکه صرفاً با تنظیم سند شخص مراجعه کار منتفع نمیکرد و با در نظر گرفتن این که وقتی انتفاع محقق میشود که مدت سند منقضی و ربح یا نفع قرض وصول شده باشد یعنی قانون این است که هر کس بخواهد بجای یادداشت عادی از سند رسمی استفاده کند یا بخواهد بدوست خود به خویش و قوم یا بهم نوع خود کمک کند باید مالیات بدهد و این در حقیقت مالیات بر سند است مالیات بر فضیلت اخلاق است این مالیاتی است که حس نوع دوستی و کمک با افراد جامعه را میکشد و چون بمدیون تحمیل میشود در مواردی که استقراض بدون ربح باشد مالیات بر قرض خواهد بود و در مواردی که ربح گرفته شود این هم مانند هزینه ثبت سند و حق السعی دلال از مدیون گرفته میشود و عبارت ساده تر با توجه باینکه مجموع این تحمیلات قبلاً از اصل قرضه برداشت میگردد فرع را از صدی ۲۴ را خیلی بالاتر می برد.

این جاست که خود زور میخورد جلوزور را بگیرد و اغلب به طریقی فرار از مالیات تثبیت میکنند و در معاملات نزولی میزان واقعی ربح را تعیین نمیکنند یا قسمتی از مبلغ را بصورت چک های ماهیانه در می آورند و بعضاً لاوصول از بانکها بر میگردد و افزایش این قبیل چکها علاوه بر اینکه تخلف از قانون را بصورت خوبی ثانوی و تخلف مستمر در می آورد چرخهای دولت را در مراجع و مقامات انتظامی و دادگستری و غیره

فرسوده میکند و وصولی های نابجا را بطور غیر مستقیم برمیگرداند .

این قانون مردم را منحرف کرده است بطوریکه برای فرار از مالیات و هزینه ثبت و برای توسل و استفاده از قدرت و شدنی که در مورد چک اعمال میشود و نیز برای فرار از خرید سفته و پرداخت تمبر سفته و هزینه و اخواست احتمالی یا ثبت سند و دادن حق الثبت و مالیات بجای پرداخت هزارها تومان تمبر و مالیات و غیره بایکدسته چک بیست و پنج ریالی و بدون صرف وقت میلیونها معامله و داد و ستد و استقراض میشود و حجم چک های صادره اعم از وصولی و لاوصولی بیوسته افزوده شده است.

این تحمیلات که مخلوق معدودی از مغزهای متوسط بود در مقابل چاره جوئی و تفکرات میلیونها افکار متجسس و مدافع و مودیان مقاوم خواه و ناخواه محکوم و مغلوب میشود یا بی نتیجه و یا مضر میگردد و مقاومت مؤدیان این قبیل مالیاتها موجب شده است که سوداگران بابت معاملات مال الاجار ملک بابت اقساطی بابت ربح ماهیانه و داد و ستدهای استقراضی حتی بابت مهریه دختران خود از چک های صادره بتاریخ مؤخر یا بدون تاریخ استفاده می کنند و بعضی از دواجرها بصورتی در آمده است که داماد از آغاز با يك طلبکاری که اسلحه خطرناکی موسوم به چک بی محل در دست دارد هم بستر میشود . برای متفکرین که بسعادت ایران و ایرانیان علاقه دارند و زنگ خطر را می شنوند فرض است در اجرای مفاهیم بیانات شاهنشاه و تحقق بخشیدن مقاصد عالیهای که اعلام شده است بیایدیشند.

فراسیون